

ارزیابی «فمینیسم» بر اساس آرای بانو امین در تفسیر مخزن العرفان - فاطمه نجارزادگان
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال شانزدهم، شماره ۶۴ «ویژه زن و خانواده»، پاییز ۱۳۹۸، ص ۴۶-۵۷

ارزیابی «فمینیسم» بر اساس آرای بانو امین در تفسیر مخزن العرفان

فاطمه نجارزادگان*

چکیده: فمینیسم، واکنشی به برداشت فرودستی زنان و قشربندی اجتماعی مبتنی بر آن است که بر رفع آن چه ستم تاریخی بر آنان تلقی می‌شود تأکید می‌ورزد. گرچه برخی از اهداف فمینیسم حائز اهمیت است، اما راهکارهایی که برای نیل به آن اهداف ارائه می‌دهند اشکالات فراوانی را در بر دارد که نیازمند نقد و بررسی است. در این مقاله به مقایسه این راهکارها با آراء بانو امین در تفسیر مخزن العرفان، با تأکید بر سه محور برابری زن و مرد، نقش مادری و نقش همسری زن پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بانو امین؛ تفسیر مخزن العرفان؛ فمینیسم، برابری زن و مرد؛ نقش مادری؛ نقش همسری.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

najjarzadehgan@gmail.com

واژه فمینیسم از ریشه feminine (زنانه، مادینه، مونث) در اصل از ریشه لاتینی femina اخذ شده است. این واژه نخستین بار در ۱۸۳۷م. وارد زبان فرانسه شد. برخی از اندیشمندان پیشنهاد تعریف دقیق و همه پسند از فمینیسم را غیرممکن یا بسیار دشوار می دانند و بر این باورند که ویژگی پاره پاره بودن اندیشه های گوناگون فمینیستی و دگرگونی آنها در طی زمان، گردآوردن همه ابعاد آن را در تعریفی یکتا ناممکن کرده است. اما بطورکلی شاید بتوان گفت: فمینیسم، آمیزه‌ای از ایدئولوژی، گرایش‌های فکری، بینش‌های فلسفی، جنبش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی است که با هدف احقاق حقوق زنان و رفع فرودستی آنها ایجاد شده است، گرچه در مورد علل این ظلم، راهکارها و استراتژی های رسیدن به آزادی اختلاف نظر وجود دارد.

فمینیسم در طول زمان، دچار تحولاتی شده که می‌توان آنها را در سه موج بررسی کرد: تمرکز اصلی موج اول بر روی اصلاح موانع قانونی برای برابری جنسیتی بود. (عمدتاً بدست آوردن حق رأی برای زنان). موج دوم، برخلاف موج اول طیف گسترده‌ای از مباحث، اعم از مسائل مربوط به عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، جنسیت، خانواده، محل کار و حقوق مربوط به باروری را شامل می‌شد. در این موج زنان قائل به برابری با مردان و یا حتی برانداختن مردمداری بودند. موج سوم فمینیسم به عنوان واکنشی علیه شکست‌های موج دوم پدید آمد و در عین حال به تعدیل آن پرداخت. تعدد و انشعاب نگرش‌ها، نرمش پذیری و پرداختن به نژاد و طبقه از ویژگی‌های بارز این دوره بود. در ضمن، احیای نقش مادری نیز توسط پاره‌ای از اندیشمندان این موج مدنظر قرار گرفت. این موج تا به امروز ادامه دارد. البته پس از موج سوم، پسا فمینیسم پدید آمد که با طرح

پرسش‌های اساسی درباره معنای هویت زنان، سبب آشفتگی فمینیسم گردید. پسافمینیسم، چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته که به دلیل گوناگونی تعاریف و عدم نیاز بدان در این مقاله، از توضیح آن خودداری می‌شود.

از سوی دیگر، فمینیسم در طی زمان به گرایش‌های گوناگونی همچون لیبرال، مارکسیست، روانکاوانه، رادیکال، سوسیال، فمینیسم اسلامی و... منشعب شده که به تناسب موضوع مقاله (در جهت مقایسه با آرای بانو امین) به بررسی پاره‌ای از آن‌ها می‌پردازیم:

فمینیسم لیبرال: به تبیین جایگاه زنان بر اساس حقوق برابر و رفع موانع مصنوعی در برابر مشارکت آنان در عرصه عمومی - که فراسوی خانه و خانه‌داری واقع شده - می‌پردازد و اصرار به ابطال نقش مادری و همسری زنان دارد. زیرا طرفداران این گرایش معتقدند در ازدواج، همه بهره‌مندی و رشد برای مرد و همه عقب‌ماندگی برای زن است. لذا پیشنهادهای اعم از خانواده هسته‌ای و ازدواج، خانواده بدون ازدواج، سقط جنین، هم جنس بازی و... را مطرح می‌کنند.

فمینیسم مارکسیستی: نظام سرمایه‌داری را عامل اصلی تبعیض جنسیتی بر شمرده و به رفع ستمگری اجتماعی طبقاتی تأکید دارد. این گروه معتقدند تابعیت زنان از نظام‌های طبقاتی سرچشمه می‌گیرد.

فمینیسم روانکاوانه: نظام مردسالاری را نظام انقیاد و ستم بر زنان می‌داند و با بهره‌گیری از نظریه فروید، پدرسالاری را تبیین می‌کنند (که چطور آموزش‌های دوران کودکی بر ناخودآگاه انسان اثر گذاشته و در بزرگسالی بروز می‌کند). در این رهیافت، اعتقاد بر این است که فرزندان نسبت به مادر حالت دو گانه دارند و احساس عشق و تنفر، نیاز و وابستگی در آنان در کنار هم رشد می‌کند. از یک سو فرزند به مادر وابسته است و از سوی دیگر در فرهنگی رشد می‌کند که مردانگی

دارای ارزش است. از این رو فرزندان پسر به سرعت هویت خود را از زن جدا می‌کنند و در بزرگسالی به جستجوی زن برای تملک بر او بر می‌آیند.

به عقیده این گرایش، هراس از مرگ به معنای ترس از متوقف شدن زندگی و ختم تکاپوهای روحی و معیشتی است و مرد اسیر این ترس است. اما زن به دلیل زایش و قدرت باروری، یا از این ترس برخوردار نیست و یا کمتر از مرد، از آن بیمناک است، بلکه این حس مردن است که آنان را به سوی کسب قدرت، مالکیت و تسلط پیش می‌برد. مردان به دلیل حسد به نقش حیاتی تولید مثل زنان و میل به بروز و ظهور، به دنبال کسب حق پدری و نظارت و تسلط بر جسم آنان هستند.

فمینیسم رادیکال: مرد سالاری در حوزه عمومی و خصوصی را زیر سؤال می‌برد. عمده‌ترین مفهوم در این جریان ستم جنسی به عنوان کهن‌ترین و شدیدترین شکل نابرابری است؛ ستمی که زنان بواسطه زن بودن خود، متحمل آن می‌شوند. این گروه معتقدند هر زنی فارغ از طبقه، نژاد، گروه سنی و... منافع مشترکی با دیگر زنان دارد. توالی چنین تفکری، تلقی مردان به عنوان یک گروه دشمن و جدایی طلبی جنسیتی است.

فمینیسم سوسیالیستی: از منظر این گروه، برای تحلیل وضعیت فرودستی زنان نباید صرفاً نگاه تک بعدی داشت (صرفاً طبقاتی مانند مارکسیست‌ها یا صرفاً مردسالارانه مانند برخی رادیکال‌ها). بلکه برای تغییر وضعیت موجود باید مبارزه‌ای همزمان با نظام مردسالاری و سرمایه‌داری انجام داد.

بیان مسأله

در نقد و بررسی فمینیسم بر اساس آرای بانو امین در تفسیر مخزن العرفان چه می‌توان گفت؟

باورهای تبعیض‌آمیز جوامع غربی درباره زنان که نشان‌دهنده ارزش و منزلت

پایین آنان است، زمینه پیدایش فمینیسم را فراهم کرد. پاره‌ای از این باورها از اندیشه تحریف شده یهودیت و مسیحیت بر می‌خیزد. زن در این میراث، سرچشمه خطا است، چرا که او آدم را فریفت تا از آن درخت بخورد و چون این عمل را مرتکب شد، خداوند حکم به برتری مرد بر وی داد: «الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد» (پیدایش ۳:۱۷) در فلسفه یونان و الهیات یهودی-مسیحی، زن همچون همدمی ناقص برای مرد و تنها برای رفع نیاز مردان تعریف شده است. مردان با عقلانیت، تمدن و امور بزرگ مرتبط می‌شوند، اما زنان با امور غیر عقلانی، شهوت و طبیعت ارتباط می‌یابند. (گرو، ۱۳۷۹، ص ۷۰-۵۱)

در مقابل آموزه‌های تحریف شده یهودیت و مسیحیت، دین اسلام با شخصیت دادن به زن، از سایر ادیان سبقت گرفت. وقتی که زن نزد همه امت‌ها در نهایت انحطاط به سر می‌برد؛ اسلام آزادی و استقلال او را اعلام کرد و همه حقوق انسانی را به او بخشید و شایستگی و توانمندی او را در بسیاری از امور اجتماعی برابر مرد دانست (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۲۱). برای نمونه:

۱. عادت جاهلیت بر این بود که به قصد آزار زنان؛ آنان را طلاق می‌دادند و پیش از انقضای عده رجوع می‌کردند. قرآن کریم با قید «ان ظنا ان یقیما حدود الله» (بقره: ۲۳۰) از این کار نهی نمود. (بانو امین، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۳۰)

۲. زن شوهر مرده را یا می‌سوزاندند؛ یا با همسرش دفن می‌کردند؛ یا بطور کلی او را از ازدواج مجدد باز می‌داشتند و یا سپری شدن یک سال، نه ماه و... را برای ازدواج مجدد لازم می‌دانستند. در حالی که اسلام عده زن را به چهار ماه و ده روز تقلیل و به وی اختیار ازدواج مجدد داد. (همان، ص ۳۳۹)

اما فمینیسم بدون توجه به آموزه‌های قرآن کریم، به ارائه راهکارهایی برای رفع

فروستی و مظالم وارد بر زن می‌پردازد. برخی از راه‌های فمینیستی که بر محور آزادی و بی‌قیدی زن نسبت به هرگونه توصیه طبیعت، دین و ساختارهای جامعه و خانواده است. فمینیسم نقش مادری، همسری، روابط طبیعی جنسی و ساختار مذهب و خانواده را بی‌ارزش تلقی کرده و تئوری ازدواج آزاد (زنان مجرد)، مادر میانجی، برابری زنان آزاد با زنان شوهردار، آزادی لذات و استفاده‌های جنسی، جدایی رابطه جنسی از تولید مثل، تبعیت مرد از اراده جنسی زنان، همجنس‌گرایی، تشابه حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد (بدون توجه به تفاوت‌های موجود میان آنان) و... را رواج داده است.

بنابراین مناسب دیدیم به بررسی و نقد این راهکارها در مقایسه با آموزه‌های اسلام پرداخته شود. توجه به آرای بانو امین (به عنوان یک زن عالم مسلمان)، گزینه مناسبی برای این مقایسه است. بنابراین به ارزیابی پاره‌ای از نظریات فمینیسم با آرای ایشان پرداخته می‌شود:

۱. اصل برابری زن و مرد: از اصول اساسی فمینیسم و نیز مورد پذیرش اسلام است. بانو امین، از آیات «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ «أُنْثَىٰ لَا أُضَيِّعُ عَمَلٌ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران: ۱۹۳)؛ «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مذثر: ۳۸)؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۶) استفاده می‌کند که زن و مرد هر دو انسان‌اند و ماده و عنصر وجودی و هویت یکسانی دارند؛ ضمن آنکه در اراده و عمل مستقل‌اند. بنابراین هر بشری - خواه زن باشد یا مرد- مسئول و در گرو اعمال خودش است. (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۳۲۶) نیز با استناد به نقلی از ضحاک می‌نویسد: (هیچ فرقی در طاعت بین مرد و زن نیست. هر کس اطاعت کند ثواب یابد و هر کس معصیت کند جزا یابد. در

عفو خدا بین زن و مرد هیچ فرقی نیست. تفاوت، تنها به علم و عمل است. در باب علم؛ قول خدای تعالی می‌فرماید: «و الذین اوتوا العلم درجات»، «هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون»، و در باره عمل می‌فرماید: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم»، «امن هو قانت آناء الیل و اطراف النهار» (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۳۷۲)

بانو امین بر اساس آیاتی چون «هنّ لباس لکم و انتم لباس لهنّ» (بقره: ۱۸۷)؛ «و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف» (بقره: ۲۲۸) و... معتقد است که زن و مرد در تمام شئون زندگی مانند کسب، ارث، تجارت، زراعت، تعلیم، تعلم، حقوق و غیر این‌ها (بجز در قضاوت و ولایت و جهاد) مساوی‌اند، مگر آنچه که اختصاص به یکی از این دو پیدا می‌کند. (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۳۲۲)

بنابراین اصل برابری زن و مرد را که فمینیسم مطرح می‌کند، قرآن به شکلی خاص پذیرفته و از منظر اسلام، زن و مرد در انسانیت شریکند، با این قید که شالوده خلقت شان از نظر قوای جسمی، احساسات طبیعی و مزاجی متفاوت است؛ (همان، ص ۳۲۴). مرد قوه فکرش بیشتر است و زن حساس‌تر است. (بنابراین حیات مرد تعقلی و حیات زن احساسی است). متوسطین از مردان در خصوصیات چون دماغ، قلب، شریان، اعصاب، قوای بدنی و جثه قوی‌ترند و زنان شاخصه‌هایی چون قلب حساس پرعاطفه، بردباری، فداکاری، نوع دوستی و... دارند که بواسطه آن‌ها بر جنس مرد برتری یافته‌اند. (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۳۲۶، ج ۱۳، ص ۱۲)

مدبر و ناظم عالم طبیعت هریک را برای کاری آفریده، لذا بر اساس آن، وظایف آنان در جامعه متفاوت خواهد بود. پس نه کار مرد از زن بطور شایسته برمی‌آید و نه کار زن از مرد. امری که از منظر طرفداران فمینیسم نادیده گرفته شده است؛ آن‌ها بدون توجه به اختلاف ذاتی زن و مرد و به تبع آن تمایز مسئولیت‌ها و حقوق آن دو، معتقدند که زن و مرد از هر نظر مساوی‌اند. پس باید حقوق و تکالیف

یکسانی داشته باشند.

۲. **بیهودگی نقش همسری:** طرفداران فمینیسم به شدت با مشروعیت خانواده و نقش همسری زن مخالف‌اند. از دیدگاه آن‌ها، شالوده خانواده بر پایه ظلم مرد نهاده شده و نقش همسری به معنای تسلط مرد، عقب ماندگی و بدبختی زن و برهم خوردن فردیت و آزادی او است. لذا آنان پیشنهادهای اعم از خانواده بدون ازدواج، برابری زنان آزاد با زنان شوهردار، آزادی لذات و استفاده‌های جنسی، هم جنس بازی و... را مطرح می‌کنند. در حالی که در اسلام کانون خانواده مقدس است و زن به واسطه تشکیل خانواده، پیروی از شوهر و بارداری ثواب فراوانی معادل اجر هزار شهید - که ده برابر ثواب مردان است - دریافت می‌کند. در این راستا، بانو امین روایتی را از میمونه از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «بهترین مرد امت من کسی است که نسبت به همسر خود بهتر باشد و بهترین زن امت من زنی است که نسبت به همسر خود بهتر باشد؛ هر زنی که باردار گردد، در هر شبانه روز اجر هزار شهید را به او دهند که در راه خدا کشته می‌شوند و هر یک از آن‌ها را بر حور العین برتری می‌دهند، چون برتری من بر کمتر کسی از امت من؛ و بهترین زنان امت من زنی است که در آن چه معصیت نباشد رضایت شوهرش را بدست آورد. بهترین مردان امت من مردی است که با خانواده‌اش به لطف و مدارا زندگی کند. چنین مردی هر شبانه روز اجر صد شهید را دارد که در راه خدا کشته شوند. عمر گفت: چگونه است که زن اجر هزار شهید را دارد و مرد اجر صد شهید را دارد؟ فرمود: اجر زنان از اجر مردان نزد خدا بیشتر است و ثوابشان تمام‌تر. و خداوند در بهشت اجر مرد را بلند گرداند، چنان چه زن از او راضی باشد. بعد از شرک به خدا هیچ گناهی بزرگتر از ستم شوهر به همسرش نیست. از خدا پروا دارید درباره زن و یتیم که خداوند درباره آن دو، از شما می‌پرسد. هرکس به آن‌ها احسان کند به

رحمت و رضوان رسد و هرکس بدی کند در معرض سخط الهی قرار گیرد». (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۳۲۳)

از دلایل مخالفت فمینیسم با ازدواج، ستمی است که از سوی مرد بر زن تحمیل می‌شود. در حالی که اسلام - برای مبارزه با این ظلم - تکالیفی را بر عهده مرد می‌گذارد. مثلاً: «از معاذ روایت شده که از رسول خدا ﷺ پرسید: حق زنان بر مردان چیست؟ فرمود: به صورت آنها نزنند؛ به گفتار زشت، آنها را نخوانند؛ از آن چه خود می‌خورند و می‌پوشند به آنها دهند و از آنان دوری نمایند».

۳. عبث بودن نقش مادری: گروه کثیری از طرفداران فمینیسم نقش مادری را مطرود می‌دانند. چون در نظرشان تولید مثل و مادری کردن، باری بر دوش زنان و منشأ اصلی سرکوب آنان است. در عوض تئوری‌هایی پیشنهاد دادند چون: ازدواج آزاد (یا مادر مجرد، یعنی اینکه هر زنی حق دارد با مرد بیگانه آمیزش کند و یا از طریق تلقیح باردار شود)، جدایی رابطه جنسی از تولید مثل (به معنای جلوگیری از بارداری و حق سقط جنین که بر این اساس حتی زنی که هشت ماه از بارداری‌اش گذشته، می‌تواند به هر علتی فرزند خود را سقط کند)، مادر میانجی (یعنی زنی با دریافت مبلغی پول، جنین فرد دیگری را در رحم خود پرورش دهد) و... در حالی که نقش مادری در اسلام، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده (زیرا این نقش به معنای تربیت نسل آینده است) و خداوند برای آن ثواب عظیمی قرار داده است. به عنوان نمونه، بانو امین به روایتی از رسول خدا ﷺ اشاره می‌کند: «آیا بس نیست شما را اینکه وقتی زنی حامله شود اجر مرابط را دارد (مرابط کسی است که در سر حدّ جبهه مسلمانان ایستاده تا دشمن وارد نشود) و چون فرزندش به دنیا بیاید، مثل کسی است که در راه خدا کشته شده و زمانی که به فرزندش را شیر دهد یا برای شیر دادن او از خواب بیدار شود، برای هر بار، ثوابی مثل آزاد کردن

برده‌ای از اولاد اسماعیل خواهد برد). (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۱۶) نیز ایشان می‌نویسد: بالاترین وظیفه زن در جامعه این است که به فرزند خود شیر دهد و او را خوب تربیت کند تا قوای جسمانی او در اثر بهداشت صحیح، و قوای روحانی وی در اثر تلقین و تمرین به وظایف دینی و اجتماعی قوی گردد. (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۱۲، ص ۳۷۰) از سوی دیگر، اسلام افزون بر ثواب اخروی، از اجر مادی این نقش نیز غافل نشده و برای زن حق دریافت اجرت در قبال شیر دادن به فرزند خود را قرار داده است (حتی اگر زن در ایام حمل طلاق داده شود، باید مرد نفقه او را تا هنگام وضع حمل بپردازد. پس از آن نیز، اگر بخواهد به کودک شیر دهد، بایستی اجرت شیر را به وی بدهد) (بانو امین، ۱۳۸۹ش، ج ۱۲، ص ۳۶۹). در ضمن برای رفاه حال زن، مرد را در هر حال - البته در حدّ وسع و توانایی - مکلف به پرداخت حقّ زن و فرزند نموده، به گونه‌ای که نمی‌تواند فقر و تنگدستی را عذر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

فمینیسم در تلاش برای رفع فرودستی زنان، یک سلسله قیود را از زن برداشت، اما قیدهای دیگری برای او به ارمغان آورد. قیدهای جدید - با بی‌ارزش تلقی کردن نقش مادری، همسری، روابط طبیعی جنسی و ساختار مذهب و خانواده - هویت زن را مورد تردید قرار داد. بنابراین ارزیابی و نقد این راهکارها در مقایسه با آموزه‌های اسلام ضروری است. در این مقاله، براساس آرای بانو امین (به عنوان یک زن عالم مسلمان) و در سه محور برابری زن و مرد، نقش مادری و نقش همسری زن، به بررسی این امر پرداخته شده که نتایج زیر را در پی داشته است:

۱. اصل برابری زن و مرد که فمینیسم مطرح می‌کند، در قرآن نیز به شکلی خاص پذیرفته شده، با این تفاوت که از منظر اسلام، شالوده خلقت آن دو از جهت قوای جسمی، احساسات طبیعی و مزاجی متفاوت است. پس به علت اختلاف طبیعت

شان، وظایف آن‌ها در جامعه متفاوت خواهد بود. در حالی که طرفداران فمینیسم بدون توجه به اختلاف ذاتی زن و مرد و به تبع آن تمایز مسئولیت‌ها و حقوق آن دو، معتقدند که زن و مرد از هر نظر مساوی‌اند و باید حقوق و تکالیف یکسانی داشته باشند.

۲. طرفداران فمینیسم به شدت با مشروعیت خانواده و نقش همسری زن مخالف‌اند. از دیدگاه آن‌ها، شالوده خانواده بر پایه ظلم مرد بنا شده و نقش همسری به معنای تسلط مرد، عقب‌ماندگی و بدبختی زن و برهم خوردن فردیت و آزادی او است. در حالی که در اسلام کانون خانواده مقدس است و زن با تشکیل خانواده و پیروی از شوهر، ثواب فراوانی را دریافت می‌کند. در ضمن اسلام - برای مبارزه با این ظلم- تکالیفی را بر عهده مرد می‌گذارد.

۳. گروه کثیری از طرفداران فمینیسم نقش مادری را مطرود می‌دانند. چون در نظرشان تولید مثل و مادری، باری بر دوش زنان و منشأ اصلی سرکوب آنان است. در حالی که نقش مادری در اسلام از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده (زیرا این نقش به معنای تربیت نسل آینده است) و خداوند برای آن ثواب عظیمی قرار داده است. از سوی دیگر، اسلام از اجر مادی این نقش نیز غافل نشده و برای زن حق دریافت اجرت در قبال شیر دادن به فرزند خود را مقرر کرده است. در ضمن برای رفاه حال او، مرد را در هر حال - البته در حدّ وسع و توانایی- مکلف به پرداخت حق زن و فرزند نموده، به گونه‌ای که نمی‌تواند فقر و تنگدستی را عذر قرار دهد.

*** مباحثی که از فمینیسم در مقاله حاضر - به ویژه در مقدمه- ذکر شد، از منابعی اخذ گردیده که در فهرست یاد شده است.

منابع

قرآن کریم

۱. اسحاقی، حسین، فمینیسم، مبانی، تاریخچه و نقد، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.
۲. امین، نصرت بیگم، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، اصفهان، گلپهار، ۱۳۸۹ش.
۳. حسین زاده، ابوالحسن؛ عباسیان، حسین، نقد و بررسی مبانی فکری و شاخصه‌های فمینیسم اسلامی، انسان پژوهی دینی، سال دوازدهم، شماره سی و چهار، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، (ص ۲۲۸-۲۰۷).
۴. خالقی، امیر حسین؛ پور عزت، علی اصغر، فمینیسم در مطالعات سازمان، مدیریت دولتی، دوره هفت، شماره سه، پاییز ۱۳۹۴، (ص ۴۵۸-۴۳۷).
۵. خسرو پناه، عبدالحسین، تبیین و تحلیل فمینیسم، طهورا، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، (ص ۱۲۰-۱۰۲).
۶. سجادی، سید مهدی، فمینیسم در اندیشه پست مدرنیسم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. فولادی، محمد، فمینیسم، معرفت، شماره ۳۲، ص ۶۵-۵۸.
۸. کرمی، محمد تقی؛ محبوبی، نسیم السادات، فمینیسم اسلامی، مفاهیم و امکان‌ها، مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، شماره ۵۹، بهار ۱۳۹۲، ص ۲۶۳-۲۲۹.
۹. گرو، زنان از دیدگاه مردان، ترجمه: محمد جعفر پوینده، چاپ سوم، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۹ش.
۱۰. مردیها، مرتضی، مبانی فلسفی فمینیسم رادیکال، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۴۲-۲۲۵.
۱۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ش.
۱۲. مهریزی، مهدی، زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی، آئینه پژوهش، ص ۲۳-۱۶.
۱۳. ویکی پدیا (fa.wikipedia.org)، فمینیسم.
۱۴. یزدخواستی، بهجت؛ ربانی، حوریه، بررسی کیفی تاثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۴۰-۱۲۵.